

متن کامل نامه دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران به جرج بوش

به نام خدا

جناب آقای جورج . دبلیو . بوش - رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا

مدتی در این اندیشه بودم چگونه می توان تناقضات غیر قابل انکار موجود در صحنه بین المللی را که مدام مورد بحث محافل مردمی بخصوص مجامع سیاسی و دانشجویی است توجیه کرد . سئوالات زیادی در این مورد بی جواب مانده است لذا تصمیم گرفتم شمه ای از این تناقضات و سئوالات را مطرح کنم ، شاید فرصتی برای تصحیح آنها فراهم آید آیا می شود ؛ پیرو حضرت مسیح (ع) پیامبر بزرگ الهی بود ، خود را متعهد به حقوق بشر دانست ،

لیبرالیسم را الگوی تمدنی معرفی کرد،

با گسترش سلاحهای هسته ای و کشتار جمعی اعلام مخالفت نمود،

مبارزه با تروریسم را شعار خود قرار داد ،

و در نهایت ؛

برای تشکیل جامعه واحد جهانی تلاش کرد . جامعه ای که قرار است حضرت مسیح (ع) و صالحان زمین در آن حکومت کنند.

اما در عین حال ؛

کشورها مورد تعرض قرار گیرند . جان و حیثیت و هستی افراد از ارزش ساقط شود و مثلاً فقط با احتمال حضور چند مجرم در یک روستا ، یا شهر و یا کاروان ، تمام آن روستا یا شهر و یا کاروان به آتش کشیده شود.

یا با احتمال وجود سلاحهای کشتار جمعی در یک کشور ، آن کشور تصرف شود . حدود صد هزار نفر از جمعیت آن کشته شوند ، منابع آب و کشاورزی و صنعت آن منهدم گردد و نزدیک به ۱۸۰/۰۰۰ نفر نیروی نظامی در آن مستقر گردد.

حریم مقدس خانه های شهروندان شکسته گرددو شاید بیش از ۵۰ سال یک کشور به عقب برگردانده شود . با چه هزینه ای ؟ با صرف صدها میلیارد دلار از خزانه یک کشور و بعضی کشورهای دیگر و با اعزام دهها هزار از جوانان به عنوان سربازان

نیروی مهاجم ، قرار دادن آنان در معرض کشتار و دور کردن آنان از خانواده های خود ، آلوده کردن دست آنان به خون دیگران و اعمال فشارهای روحی و روانی به آنان به نحوی که هر روز تعدادی از آنان خودکشی کنند و وقتی به کشور خود برمی گردند رنجور و افسرده باشند و با امراض گوناگون سر و کار داشته باشند . تعدادی نیز کشته شده و جنازه های آنان تحویل خانواده های آنان گردد.

به بهانه وجود سلاحهای کشتار جمعی این تراژدی بزرگ برای مردم کشور اشغال شده و مردم کشور اشغال کننده اتفاق می افتد ، بعد معلوم می شود سلاح کشتار جمعی وجود نداشته است .

البته صدام یک دیکتاتور جنایتکار بود . اما قصد از جنگ نه سرنگونی او بلکه حذف سلاحهای کشتار جمعی اعلام شده بود . صدام در این مسیر سرنگون شد و مردم منطقه از این سرنگونی ابراز رضایت کردند . صدام در تمام طول جنگ تحمیلی علیه ایران مورد حمایت غرب بود .

آقای رئیس جمهور

شاید بدانید من یک معلم هستم . دانشجویان می پرسند این اقدامات را چگونه می توان با ارزشهای صدر این کلام من جمله تعهد به آئین حضرت مسیح (ع) پیامبر صلح و رحمت تطبیق داد ؟

متهمانی در گوانتانامو در بند هستند که محاکمه نمی شوند . به وکیل دسترسی ندارند . خانواده های آنان نمی توانند آنان را ببینند و در خارج از کشور خود نگهداری می شوند و هیچ نظارت بین المللی بر آنان نیست . معلوم نیست اینها زندانی هستند . اسیر جنگی اند ، متهم اند و یا محکوم ؟

بازرسان اتحادیه اروپایی تایید کرده اند که زندانهای مخفی در اروپا هم وجود دارد . من نتوانستم ربودن افراد و نگه داشتن آنان را در زندانهای مخفی با هیچیک از نظامهای قضایی دنیا تطبیق دهم و نفهمیدم که این اقدامات با کدامیک از ارزشهای صدر این مقال تطابق دارد . با تعلیمات حضرت مسیح (ع) یا حقوق بشر یا ارزشهای لیبرالیسم .

جوانان ، دانشجویان و مردم در مورد پدیده اسرائیل سئوالات زیادی دارند . حتما بعضی از آنها را شنیده اید .

در طول تاریخ کشورهای زیادی اشغال شده اند اما از پدیده های نوظهور عصر ما ، تاسیس یک کشور جدید با مردمانی جدید است .

دانشجویان می گویند ۶۰ سال پیش چین کشوری وجود نداشت . اسناد و کره جغرافیایی قدیمی را نشان می دهند و می گویند هر چه جستجو می کنیم کشوری به نام اسرائیل نمی بینیم .

مجبورم آنان را راهنمایی کنم تاریخ جنگ جهانی اول و دوم را مطالعه کنند. یکبار یکی از دانشجویان گفت در طول جنگ جهانی دوم که دهها میلیون نفر در آن کشته شدند ، اخبار جنگ به سرعت از جانب متخصصین منتشر می شد و هر کدام پیروزی های خود و شکستهای طرف مقابل را اعلام می کردند. بعد از جنگ ادعا شد که شش میلیون یهودی کشته شده اند . شش میلیون نفر که با حداقل دو میلیون خانواده نسبت داشته اند .

فرض کنیم این خبر صحیح باشد آیا نتیجه منطقی آن می تواند تاسیس کشور اسرائیل در منطقه خاورمیانه و یا حمایت از آن باشد ؟ این پدیده چگونه تحلیل و تفسیر می شود ؟

آقای رئیس جمهور

حتما می دانید اسرائیل با چه هزینه ها و پیامدهایی تاسیس شد :

- با کشته شدن هزاران نفر

- با آواره شدن چند میلیون نفر از بومیان منطقه

- با تخریب صدها هزار هکتار از مزارع و باغات زیتون و با تخریب شهرها و آبادیها

این تراژدی منحصر به زمان تاسیس نیست ، متأسفانه ۶۰ سال است که ادامه دارد .

رژیمی تاسیس شده است که حتی به بچه ها رحم نمی کند ، خانه ها را بر سر مردم خراب می کند ، برنامه ترور شخصیتهای فلسطینی را از قبل اعلام می کند و هزاران فلسطینی را در زندانها نگهداری می کند . چنین پدیده ای در قرون اخیر کم نظیر یا بی نظیر است .

سؤال بزرگ دیگر بسیاری از مردم این است که چرا چنین رژیمی مورد حمایت است ؟

آیا حمایت از چنین رژیمی حمایت از تعلیمات حضرت مسیح (ع) یا حضرت موسی (ع) و یا منطبق بر ارزشهای لیبرالیستی است .

و آیا واگذار نمودن حق تعیین سرنوشت تمام سرزمین فلسطین به صاحبان اصلی آن که در داخل و خارج فلسطین هستند ، اعم از مسلمانان و یهودیان و مسیحیان ، با اصول دموکراسی و حقوق بشر و تعلیمات انبیاء منافات دارد ؟

اگر منافات ندارد چرا با همه پرسى مخالفت می شود ؟

دولت فلسطینی اخیراً با انتخاب مردم فلسطین روی کار آمد . همه ناظران بیطرف تایید می کنند این دولت منتخب مردم است . با ناباوری دولت منتخب را تحت فشار قرار دادند و به او گفته شد باید رژیم اسرائیل را به رسمیت بشناسد و دست از مقاومت بردارد و برنامه های دولت قبل را تعقیب نماید .

اگر دولت فعلی فلسطینی چنین سیاستهایی را از قبل اعلام کرده بود آیا مردم فلسطین آن را انتخاب می کردند . آیا این نوع موضعگیری در مقابل دولت فلسطینی قابل تطبیق با ارزشهای پیش گفته است ؟ همچنین مردم می پرسند چرا هر قطعنامه ای که در شورای امنیت علیه رژیم صهیونیستی مطرح می گردد وتو می شود ؟

آقای رئیس جمهور

می دانید با مردم زندگی می کنم و دائم با آنان در تماس هستم بسیاری از مردم خاورمیانه به نحوی با من تماس می گیرند . آنان اینگونه سیاستهای چندگانه را با هیچ منطقی سازگار نمی دانند.

شواهد نشان می دهد عموم مردم منطقه ، هر روز نسبت به سیاستهای اعمال شده عصبانی تر می شوند .

قصد من طرح سئوالات فراوان نیست اما می خواهم به چند نکته دیگر هم اشاره کنم .

چرا در منطقه خاورمیانه هر پیشرفتی در علم و فن آوری ، تهدیدی علیه رژیم صهیونیستی تعبیر و تبلیغ می شود ؟ آیا تلاش علمی و تحقیقاتی از حقوق اولیه ملتها نیست ؟

شما احتمالاً با تاریخ آشنایی دارید . غیر از قرون وسطی در چه مقطع تاریخی و در کجای عالم پیشرفت علمی و فنی یک جرم تلقی شده است ؟ آیا فرض احتمال استفاده از علوم در مقاصد نظامی می تواند دلیلی بر مخالفت با علم و فن باشد . اگر چنین نتیجه گیری صحیح باشد پس باید با همه علوم مخالفت شود ، حتی با فیزیک ، شیمی ، ریاضیات ، علوم پزشکی ،

مهندسی و ...

در قضیه عراق دروغی گفته شد . نتیجه آن چه بود ؟ من تردیدی ندارم که در تمام جوامع بشری دروغ امر ناپسندی است و جنابعالی هم دوست ندارید کسی به شما دروغ بگوید.

آقای رئیس جمهور

آیا ملت‌های مختلف در امریکای لاتین حق دارند بپرسند چرا با حکومت‌های منتخب آنان در این قاره مخالفت و در مقابل از کودتاگران حمایت می‌شود. چرا سایه تهدید دائمی بالای سر آنان است ؟

مردم افریقا مردمی پرتلاش ، خلاق و با استعداد هستند . آنان می‌توانند نقش مهم و ارزنده ای در تامین نیازها و پیشرفت مادی و معنوی جامعه بشری ایفا کنند . فقر و تنگدستی در بخش بزرگی از افریقا مانع چنین نقشی است . آیا آنان حق دارند بپرسند

چرا ثروت عظیم و معادن آنان به یغما برده می‌شود در حالیکه خود آنان بیش از دیگران نیازمند آن هستند .

آیا چنین اقداماتی با تعلیمات حضرت مسیح و با حقوق بشر منطبق است ؟

ملت شجاع و مومن ایران هم سئوالات زیادی دارند . از جمله ؛ انجام کودتای ۲۸ مرداد در پنجاه و دو سال پیش و سرنگونی دولت قانونی وقت ، مقابله با انقلاب اسلامی و تبدیل سفارت به ستاد حمایت از مخالفین جمهوری اسلامی مستند به هزاران برگ سند ، حمایت از صدام در جنگ علیه ایران ، سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران ، توقیف اموال ملت ایران ، تهدیدات روز افزون و ابراز ناراحتی و عصبانیت از پیشرفت علمی و هسته ای ملت ایران ، در حالی که تمام ایرانیان به خاطر پیشرفت کشورشان شادند و جشن و سرور برپا کردند ، و موارد متعددی از این دست که از شرح آن در این نامه می‌گذرم .

آقای رئیس جمهور

واقعه ۱۱ سپتامبر واقعه هولناکی بود . کشتن بیگناهان در همه جای دنیا تاسف بار و دردناک است . دولت ما همان موقع با اعلام تنفر از مسببین چنین وقایعی به بازماندگان حادثه تسلیت گفت و اظهار همدردی کرد.

همه دولت‌ها موظفند از جان و مال و آبروی شهروندان خود محافظت کنند . آن طور که گفته می‌شود دولت شما برخوردار از سیستم های امنیتی و حفاظتی و اطلاعاتی گسترده ای است . حتی مخالفین خود را در خارج از مرزها شکار می‌کند .

عملیات ۱۱ سپتامبر عملیات ساده ای نبود. آیا طراحی و اجرای عملیات بدون هماهنگی با سیستمهای اطلاعاتی و امنیتی و یا نفوذ گسترده در آن می توانست امکان پذیر باشد؟ البته این یک احتمال عقلایی است. چرا ابعاد این موضوع تا کنون مخفی مانده

است؟ چرا توضیح داده نمی شود چه کسانی در این حادثه کوتاهی کرده اند؟ و چرا مسببین و مقصرین معرفی و محاکمه نمی شوند؟

آقای رئیس جمهور

از وظایف همه دولتها ایجاد امنیت و آرامش برای شهروندان است. مردم کشور شما و کشورهای همجوار نقاط بحرانی جهان چندین سال است احساس امنیت روانی ندارند.

بعد از حادثه سپتامبر به جای التیام روانی و آرام آسب دیدگان و شهروندان امریکایی که به شدت تحت تاثیر حادثه بودند، برخی رسانه های غربی جو ناامنی را دامن زدند و بطور مداوم از احتمال حملات تروریستی سخن گفتند و مردم را در ترس و وحشت نگه داشتند. آیا این خدمت به مردم امریکاست؟ آیا خسارت ناشی از ترس و وحشت قابل محاسبه است؟

تصور کنید، شهروندان امریکایی در همه جا احتمال حمله را می دادند. در خیابانها، در محل کار و در خانه احساس ناامنی می کردند. این وضعیت را چه کسی می پسندد؟ چرا رسانه ها به جای القای آرامش و امنیت، ناامنی را القا می کردند. برخی معتقدند این تبلیغات برای زمینه سازی و توجیه حمله به افغانستان بوده است. در همینجا باید اشاره ای به رسانه ها بشود.

در منشورهای رسانه ای، اطلاع رسانی درست و حفظ امانت در انتشار خبر، یک اصل انسانی و پذیرفته شده است. مایلم تاسف عمیق خود را از عدم تعهد برخی رسانه های غربی به چنین اصلی اعلام کنم. بهانه اصلی در حمله به عراق وجود سلاحهای کشتار جمعی بود. آن قدر این موضوع تکرار شد تا مردم باور کنند و زمینه حمله به عراق نیز فراهم شود.

آیا در فضای ساختگی و دروغ، حقیقت گم نمی شود؟

و آیا گم شدن حقیقت با معیارهای پیش گفته سازگار است؟

و آیا حقیقت، نزد خدا هم گم می شود؟

آقای رئیس جمهور

در همه کشورها مردم هستند که هزینه دولتها را می پردازند تا دولتها به آنان خدمت کنند .

سؤال این است که صدها میلیارد دلار هزینه های سالیانه لشکر کشی به عراق چه دست آوردی برای مردم داشته است ؟

جنابعالی اطلاع دارید در بعضی از ایالات کشور شما مردم در فقر و تنگدستی هستند . هزاران نفر بی خانمان زندگی می کنند . بیکاری معضل بزرگی است و این مشکلات کم و بیش در سایر کشورها هم هست . آیا در چنین شرایطی آن حجم عظیم لشکر کشی و آن هزینه های هنگفت از خزانه مردم توجیه پذیر است و با اصول پیش گفته تطابق دارد ؟

آقای رئیس جمهور

آنچه گفته شد بخشی از دردهای امروز مردم جهان ، منطقه ما و مردم شماست . اما کلام اصلی من که شما حداقل بخشی از آن را تصدیق خواهید کرد این است که :

حاکمان دوران معینی دارند و پایدار نیستند ، اما نام و یاد آنان در تاریخ خواهد ماند و در آینده های نزدیک و دور دائم در معرض قضاوت خواهند بود.

مردم خواهند گفت ، در دوران ما چه گذشته است . آیا برای مردم امنیت ، رفاه و آسایش آورده ایم یا نا امنی و بیکاری . آیا می خواستیم عدالت بر پا کنیم یا فقط از گروههای خاصی حمایت کردیم و به قیمت فقر و تنگدستی عده زیادی از مردم ، عده اندکی را به ثروت و مقام رساندیم و رضایت آنان را بر رضایت خدا و مردم ترجیح دادیم .

آیا از حقوق مردم و محرومین دفاع کردیم یا آنانرا نادیده گرفتیم .

آیا از حقوق انسانها در سراسر جهان دفاع کردیم یا اینکه با تحمیل جنگ و دخالتهای غیر قانونی در امور کشورها و با ایجاد زندانهای مخوف عده ای را به بند کشیدیم .

آیا امنیت و صلح را برای جهان رقم زدیم یا سایه تهدید و زور را در جهان گسترانیدیم .

آیا به ملت خود و سایر مردم جهان راست گفتیم یا اینکه حقایق را وارونه جلوه دادیم . آیا طرفدار مردم بودیم یا طرفدار اشغالگران و ستمگران . آیا درحکومت ما منطق ، عقل ، اخلاق ، صلح ، عمل به تعهدات ، گسترش عدالت ، خدمت به مردم

، رفاه و پیشرفت ، حفظ کرامت انسانی مورد توجه بود یا زور اسلحه ، تهدید ، ناامنی ، بی توجهی به مردم ، عقب انداختن پیشرفت و تعالی ملت‌ها و پایمال کردن حقوق انسانها .

و بالاخره خواهند گفت آیا به آنچه سوگند یاد کردیم ، در خدمت به مردم که وظیفه و تعهد اصلی ماست و به آئین پیامبران پاییند بودیم یا خیر؟

آقای رئیس جمهور

تا کی جهان می تواند چنین وضعیتی را تحمل کند . با این روند ، جهان به چه سمتی خواهد رفت ؟

- تا کی مردم جهان باید خسارت تصمیمات نادرست برخی حاکمان را بدهند ؟

- تا کی باید سایه نا امنی ناشی از انباشت سلاحهای کشتار جمعی بر مردم جهان سایه افکند ؟

- تا کی باید خون کودکان و زنان و مردان بر سنگ فرش خیابانها و کوچه ها بریزد و خانه های مردم بر سر آنان خراب شود ؟

آیا جنابعالی از وضعیت امروز جهان راضی هستید ؟

و آیا فکر می کنید سیاستهای جاری می تواند ادامه یابد؟

آیا اگر به جای صدها میلیارد دلار مخارج امنیتی ، نظامی و لشگر کشی این ارقام صرف سرمایه گذاری و کمک به

کشورهای ضعیف ، توسعه بهداشت و مبارزه با امراض مختلف ، آموزش و بالا بردن توانمندیهای فکری و جسمی ، کمک به

آسیب دیدگان ناشی از بلایای طبیعی ، ایجاد اشتغال و تولید ، آبادانی و رفع فقر و محرومیت ، و صرف ایجاد صلح ، رفع

اختلافات بین کشورها ، خاموش کردن جنگهای قومی و نژادی و ... می شد ، امروز جهان در چه موقعیتی بود ؟ و آیا

دولت و مردم شما نیز احساس غرور و سربلندی نمی کردند؟

آیا موقعیت سیاسی و اقتصادی دولت شما و مردم مستحکمتر نبود؟

با کمال تاسف می گویم آیا نفرت فزاینده امروز مردم جهان نسبت به دولت امریکا وجود داشت ؟

آقای رئیس جمهور قصد آزردن خاطر کسی را ندارم .

آیا اگر امروز حضرت ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، اسماعیل ، یوسف و یا حضرت عیسی (علیهم السلام) حضور داشتند در مورد این رفتارها چه قضاوتی داشتند؟ آیا در جهان موعود که عدالت سرتاسر آن را فراخواهد گرفت و حضرت عیسی مسیح (ع) حضور خواهند یافت به ما نقشی خواهند داد ؟ و آیا ما را خواهند پذیرفت ؟

سؤال کلیدی من این است ؛ آیا راه بهتری برای تعامل با ملتها و جهان وجود ندارد ؟

امروز در جهان صدها میلیون نفر مسیحی و صدها میلیون نفر مسلمان و میلیون ها نفر پیرو آئین حضرت موسی (ع) هستند . همه ادیان الهی در یک کلام شریک هستند و آن کلمه توحید است ، یعنی اعتقاد به خدای یگانه ای که جز او خدایی در جهان نیست .

قرآن کریم بر این کلام مشترک تاکید دارد و همه پیروان ادیان الهی را دعوت می کند و می فرماید :

" بگو ای اهل کتاب بیائید به سوی کلمه ای که پذیرفته ما و شماست . آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعض دیگر را سوای خدا به پرستش و ربوبیت نگیرد" (قرآن مجید - سوره آل عمران آیه ۶۳)

آقای رئیس جمهور

بر اساس کلام الهی همه ما به پرستش خدای یگانه و تبعیت از رسولان الهی دعوت شده ایم .

((پرستش خداوندیکه فوق همه قدرتهای عالم است و بر هر کاری تواناست.)) ((خداوندی که دانای پنهان و آشکار و گذشته و آینده است و میداند در قلب بندگانش چه می گذرد و اعمال آنانرا ثبت می کند.))

((خداوندی که مالک آسمان ها و زمین است و همه عالم عرصه پادشاهی اوست.))

((تدبیر همه عالم به دست اوست و به بندگان وعده مغفرت و بخشش گناهان می دهد.)) ، ((او یار مظلومان و دشمن

ستمگران است.)) ، ((رحمن و رحیم است.)) ، ((پشتیبان مومنان است و آنانرا از ظلمت به نور هدایت می کند.)) ، ((ناظر

اعمال بندگان است.)) ، ((بندگان را به ایمان و عمل صالح دعوت می کند و از آنان می خواهد که در مسیر حق قدم بردارند

و دراین مسیر استوار باشند.)) ، ((بندگان را به اطاعت رسولانش دعوت می کند و بر اعمال آنان شاهد و ناظر است)) و

((پایان بد را متعلق به کسانی می داند که فقط حیات این جهانی را انتخاب کنند و از امر او سرپیچی کنند و به بندگان او

ظلم روا دارند.))

((و پایان نیکو و بهشت جاوید را از آن بندگان می داند که از عظمت و مقام او بترسند و از هوای نفس خویش پیروی نکنند.

((

ما معتقدیم بازگشت به آئین انبیاء الهی تنها راه سعادت و نجات است . شنیده ام جنابعالی به آئین مسیح (ع) گرایش دارید و به وعده الهی حکومت صالحان در زمین اعتقاد دارید .

ما نیز حضرت عیسی مسیح (ع) را از پیامبران بزرگ الهی می دانیم که در قرآن بارها از ایشان تجلیل شده است و این کلام از حضرت مسیح (ع) نقل شده است :

" و ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم " پروردگار من و شما الله است . پس او را بپرستید و صراط مستقیم الهی همین است . (قرآن مجید - سوره مریم آیه ۳۶)

بندگی و اطاعت خداوند شعار همه پیامبران الهی است .

خدای همه مردمان در اروپا ، آسیا ، افریقا ، امریکا و اقیانوسیه و همه عالم یکی است او خدایی است که هدایت و عزت همه بندگان خود را می خواهد و به انسانها کرامت بخشیده است .

و در کلام الهی است که ((خداوند قادر متعال پیامبران را با معجزات و نشانه های آشکار برای هدایت مردم فرستاده تا آیات الهی را به آنان نشان دهند و آنان را از گناه و آلودگیها پاک کنند. و کتاب و میزان را فرستاد تا مردم عدالت را بر پا کنند و از طغیانگران پرهیزند .))

همه این آیات به نحوی در کتاب مقدس نیز آمده است .

پیامبران الهی وعده داده اند که :

روزی بر پا خواهد شد که همه انسانها در پیشگاه خداوند متعال حاضر خواهند شد تا به اعمال آنان رسیدگی شود . نیکوکاران به بهشت رهنمون خواهند شد و بدکاران به عذاب الهی دچار می شوند . فکر می کنم هر دوی ما به چنین روزی اعتقاد داریم . اما

محاسبه اعمال حاکمان آسان نخواهد بود . زیرا ما باید پاسخگوی ملت خود و همه کسانی باشیم که اعمال ما به نحوی در زندگی آنان موثر بوده است .

پیامبران ، صلح و آرامش را بر پایه خداپرستی و عدالت و حفظ کرامت انسانی برای همه بشریت خواسته اند .

آیا اگر همه ما به این مبانی ، یعنی توحید و خداپرستی ، عدالت و حفظ کرامت و عزت انسانی و اعتقاد به روز واپسین معتقد و متعهد شویم ، نمی توان بر مشکلات امروز جهان که نتیجه دوری از اطاعت خداوند و آئین پیامبران است فائق شد و بهتر و زیبا تر نقش آفرینی کرد؟

آیا اعتقاد به این مبانی ، صلح و دوستی و عدالت را گسترش نمی دهد و تضمین نمی کند ؟

آیا مبانی مزبور آئین نوشته یا نا نوشته اکثریت مردم جهان نیست ؟

آیا جنابعالی این دعوت را اجابت نمی کنید ؟ بازگشت حقیقی به آئین پیامبران ، به توحید و عدالت ، به حفظ کرامت انسانی و به اطاعت از خداوند و رسولان او .

جناب آقای رئیس جمهور

نگاهی به تاریخ نشان می دهد که اگر حکومتها در طریق ظلم و ستم باشند نمی توانند پایدار بمانند . خداوند سرنوشت بشریت را به دست آنان نسپرده است . خداوند جهان و انسانها را رها نکرده است ، چه بسیار وقایعی که بر خلاف خواست و تدبیر حکومتها اتفاق می افتد . وقایع نشان می دهد دست قدرت برتری در کار است که همه امور با اراده او رقم می خورد.

آقای رئیس جمهور

آیا نشانه های تغییر و تحولات در جهان امروز قابل انکار است ؟

آیا اوضاع فعلی جهان با ده سال قبل را می توان مقایسه کرد . تغییرات سریع و بسیار گسترده است .

مردم جهان از وضعیت موجود راضی نیستند و کمتر به وعده ها و اظهارات برخی حاکمان موثر در جهان اعتماد می کنند .

مردم بسیاری از نقاط جهان احساس ناامنی می کنند و با توسعه نا امنی و جنگ مخالفند و سیاستهای چندگانه را نمی پذیرند .

مردم نسبت به شکاف موجود بین ثروتمندان و فقرا و کشورهای مرفه و فقیر معترض هستند .

مردم از فساد رو به تزاید ابراز تنفر می کنند .

مردم بسیاری از کشورها از اینکه بنیادهای فرهنگی آنان در معرض تهاجم است و بنیان خانواده ها از هم می پاشد و از اینکه مهر و محبت ها کم شده است ناراحتند .

مردم جهان به سازمانهای بین المللی خوشبین نیستند زیرا حقوق آنان توسط این سازمانها استیفا نمی شود.

لیبرالیسم و دموکراسی غربی نتوانسته اند بشر را به آرمانهای خود نزدیک کنند و امروز دو مفهوم شکست خورده اند . ژرف اندیشان و عقلای عالم صدای فرو ریختن اندیشه و نظامات لیبرال دموکراسی را به وضوح می شنوند.

امروز توجه مردم جهان به سوی یک کانون اصلی ، رو به افزایش است و آن کانون ، خداوند یگانه است و صد البته مردم با خداپرستی و تمسک به آئین پیامبران بر مشکلات خود پیروز خواهند شد .

سؤال جدی من این است آیا شما نمی خواهید آنان را همراهی کنید ؟

آقای رئیس جمهور

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم ، جهان به سمت خداپرستی و عدالت به پیش می رود و اراده خدا بر همه چیز غلبه خواهد کرد.

والسلام علی من التبع الهدی

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران